



۲۰۱۸/۱۰/۰۳

م، نعیم بارز

بازار گرم انتخابات نمایندگان ولسی جرگه!

اخبار از کابل به خوبی می‌رساند که بازار برای رسیدن اشخاص به کرسی‌های ولسی جرگه چنان گرم و دل‌پذیر است که مثلاً برای ۳۶ چوکی مربوط شهر کابل بیش از هشتصد نفر خود را کاندید نموده و هریک چنان اغراق آمیز از رسیدن بکرسی و به اصطلاح خدمت به مردم و کشور سخن می‌گویند که تصور می‌رود کرسی نمایندگی ولسی جرگه را مقام ریاست جمهوری در نظر گرفته است، زیرا کسانی را در مصاحبه‌های تلویزیونی می‌توان دید که از وظایف بسیار مهمی چون استاد در پوهنتون، ژورنالیست بسیار ورزیده و شناخته شده و از کرسی‌های ریاست دولتی و شخصی دست کشیده و رو به وکالت آورده‌اند، حتی نه تنها خود بلکه پدر و پسر و فامیل دسته جمعی خود را کاندید نموده‌اند و چنان وعده‌های عجیب و غریب به مردم می‌دهند که فکر می‌شود کرسی پارلمان را به جای مقام ریاست جمهوری در نظر گرفته‌اند و اگر پرسیده شود که علل این همه شور و شوق و انگیزه چه بوده است در چند کلمه باید گفت:

بر همه مشخص و روشن شده است که این انگیزه‌ای شور و شوق کاندید شدن اشخاص زیاد برای رسیدن به کرسی‌های پارلمان اساساً همانا پر درآمدترین بودن، پول‌سازترین بودن و با امتیازترین بودن کرسی‌های مذکور در مقابل بی‌مسئولیت‌ترین کرسی‌ها، همین کرسی‌های پارلمان افغانستان هستند.

از هنگامیکه روند انتخابات ریاست جمهوری و شورا‌های ولایتی در کشور آغاز شد و دالره‌های بی‌حساب از خارج به کشور سرازیر گردید، مردم بصورت وسیع در محافل سخنرانی کاندیدها و سایت‌های رأی‌دهی حضور بهم رساندند، چنان تبلیغاتی از هر سو انعکاس یافت که تو گوئی معجزه‌ای به وقوع پیوسته است. البته جای تردید نیست که در این زمان در اثر رشد کمی‌تعلیم و تربیه، اطلاع‌رسانی گسترده بصورت نسبی در همه زمینه‌ها یک مقدار سطح آگاهی مردم بالا رفته و نسبت به سال‌های گذشته علی‌رغم ترس از عملیات تروریستی، بازار انتخابات گرم و پررنگ بوده. اما باور نمی‌توان کرد که آگاهی مردم چنان بلند رفته باشد که عوام الناس از فهم و درک برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سخنرانی‌های شعارگونه نامزد‌های انتخاباتی منافع خود و کشور را تشخیص داده و به امید بهتر شدن زندگی آینده‌شان به صورت شعوری به پای صندوق‌های رأی‌دهی رفته و رأی داده و یا در این زمان بر اساس همان توصیفی از درک و شناخت رأی خواهند داد.

واقعیت امر اینست که تا هنوز کلاً جامعهٔ چهل سال جنگ زده افغانستان قومی و سنتی است.

در اوضاع کشور ما بنا بر عدم رشد اقتصاد صنعتی، نبود احزاب واقعاً سیاسی و سازمان های ورزیده، تفکر ملی بسیار ضعیف بوده و این مسئله باعث شده که تعداد بیشتر مردم جانب سران قومی و زورمندان را بگیرند و معلوم است که سران قومی عوام فریب در موقع ضرورت و بر اساس اقتضای منافع شان از وجود مردم استفاده ابزاری کرده و می کنند، چنانکه در انتخابات ولسی جرگه دور اول و دوم با استفاده از ثروت بی حسابی که از حاصل جهاد و سوء استفاده از کمک های دالری و با توصل به هر وسیله دیگر توانستند مردم را به پای صندوق های رأی بکشند. علاوه بر آن از هیچ تقلب و تخطی دریغ نکردند و در این سال باوجود روش «بایمتریک» از تقلب و تخطی دریغ نخواهند ورزید، زیرا آنها چنان لذت قدرت را چشیده و یا شاهد استفاده جویی از این نهاد پر درآمد و بی مسئولیت بوده اند.

با اینکه عامل اساسی در پیوند به انتخابات ریاست جمهوری و ولسی جرگه نقش و اراده آزاد و آگاه مردم در رقم زدن سرنوشت خوب و بد کشور مهم و تعیین کننده است ولی اگر مفهوم رأی دادن را ندانیم و برای کسیکه رأی می دهیم درست تشخیص ندهیم که او از لحاظ اخلاقی و ارزش های عالی انسانی دنیای امروز در چه وضعیت و موقعیتی است، بدین معنی خواهد بود که همه هستی و دارائی خود را بدون کدام تضمینی بدست کسی نا شناخته بسپاریم با خیال اینکه او گفته چنان منفعتی به بار خواهد آورد که دنیای خود و ما را گل و گلزار خواهد نمود، این نوع خوش خیالی ها را میتوان بازی در قمار دانست.

ظاهراً روند انتخابات گذشته ریاست جمهوری با شرکت گسترده زن و مرد و صف بستن های طویل، در نهایت



حوصله مندی با چادری ها و لباس های رنگ رنگ و قد و قیافه های مختلف ساعت ها در انتظار فرا رسیدن فرصت رأی دهی، واقعاً نمای صوری و شکلی آن نمایش بسیار زیبا بوده که اگر داستان نویسان سیوریالیست و سینما گران ورزیده آنرا از موضع هنری شان زیر قلم و کمره عکاسی خود قرار دهند، شاید منظر و نمایش کم نظیری بوجود آید.

اما اگر واقعبینانه به موضوع انتخابات در کشور نگاه کنیم میتوان دید که هنوز جمعی از با سوادان و تحصیل یافتگان کشور و گروه های به اصطلاح سیاسی و اجتماعی درک و شناخت کافی از دیموکراسی و شیوه های بکار گیری عملی آنرا ندارند. اگر بیداری و آگاهی لازم بوجود آمده بود، ما در همه جا شاهد چهره های جنگسالاران نمی بودیم، معلوم است که هنوز هم میدان دار سیاست و برد و باخت اکثریت قاطع همان زورمندان و عوام فریبان هستند.

اگر دولت های غربی و در رأس دولت ایالات متحده امریکا از روند انتخابات افغانستان حمات و بیش از حد توصیف و تمجید میکنند، دولت مردان و کسانی در قدرت می خواهند آنرا به عنوان دست آورد بسیار مثبت تبلیغ کرده و بدین ترتیب شکست و ناکامی های شان را در برابر تروریسم و جنایات طالبان به رهبری سازمان اطلاعات نظامی پاکستان از دید مردمان شان پنهان نگهدارند.

اما آگاهان میدانند که نهاد های دیموکراسی در کشور نهادینه نشده و در بسی موارد مهم قانونی در کشور وجود ندارد و اگر وجود هم دارد چندان جنبه عملی و تطبیقی ندارد. مثلاً بالاخره حقوق دان های ما در کمیسیون قانون گذاری

ولسی جرگه به صورت تقلیدی از جا های دیگر و یا با درک کتابی قانون گذاری برای انتخابات قانونی تدوین کردند که اصلاً در جامعه قابل اجراء دیده نشده و نمی شود، زیرا بر اساس درک ذهنی تدوین و تصویب گردیده نه بر واقعیت های عینی جامعه.

به هر حال از شرکت مردم در انتخابات ولسی جرگه نباید به صورت زیاد خوشین بود و فکر کرد که گویا مردم در اثر آگاهی و شناخت همه جانبه از شخصیت های کاندیدان به این باور رسیده اند که آنها دانسته و شعوری رأی می دهند و نمایندگان هم می توانند بر اساس تاثیر گذاری مثبت بر نهاد های حکومت، کشور را به زودی به سمت و سوی صحیح پیش برده و مردم به نیاز ها و خواست های شان خواهند رسید.

شعار های دلکش و آرمان خواهانه زبانی کار آسانی است و همین طور توصیف بیش از حد از مردم و یا انتقاد های بی اندازه و یکنواخت از موضع عقده های شخصی و اخلاقی هم درست نیست که مسایل انسان ها را خارج از حوزه سیاسی و بدون تحلیل و ارزیابی همه جانبه مورد داوری قرار داد، هر گاه در پشت الفاظ کینه توزانه و خیال بافانه، استدلال و نظرات ارزشمند وجود نداشته باشد، تعریف و توصیف های کاذب و برخورد های نادرست و غیر واقعی به مسایل اجتماعی، در فرجام کار، چیزی جز مایوسی و سرخوردگی حاصل دیگری به بار نخواهد آورد.



از بحث در باره انتخابات ولسی جرگه و ضعف آگاهی مردم و چگونگی جامعه به بیان مختصر در بالا اکتفا کرده آنچه از تجمعات زن و مرد در حوزه های رأی دهی انتخابات ریاست جمهوری و ولسی جرگه در گذشته دریافت می گردد، اینست که یک بخشی از مردم کشور اقلأ برخلاف گذشته ها که قدرت جویان بسیار حریص

برای رسیدن به قدرت متکی به تفنگ بودند اینک آرزومندیم مردم با رفتن به پای صندوق های رأی، یک کمی راه متمدنانه مسالمت آمیز رسیدن به قدرت و حقوق شان را نشان دهند. خلاصه چند روز بعد دیده شود که چند نفر با جیب نسبتاً خالی و سری نسبتاً پر به نهاد ولسی جرگه راه خواهند یافت؟ بااحترام

